



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

گروه روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

رابطه ی بین هوش هیجانی والدین دانش آموزان کم توان ذهنی

و رفتار سازشی فرزندان

استاد راهنما:

آقای دکتر محمود میرزمانی

اساتید مشاور:

خانم دکتر معصومه پور محمد رضای تجریشی

آقای دکتر مسعود صالحی

دانشجو:

رقیه شریفی

1387

شماره ثبت: 4000-122

تقدیم به:

پدر و مادرم

با سپاس فراوان از اساتید بزرگوارم

آقای دکتر سید محمود میرزمانی،

خانم دکتر معصومه پور محمد رضای تجریشی

و آقای دکتر مسعود صالحی

که با دقت نظر و شکیبایی بسیار مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند.

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی رابطه ی بین هوش هیجانی والدین دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر و رفتار سازشی فرزندان آن ها بود. ۲۶۲ نفر از والدین دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر نمونه ی این پژوهش را تشکیل می دادند. نمونه گیری با روش خوشه ای انجام شد. هوش هیجانی والدین با استفاده از پرسشنامه ی هوش هیجانی "شرینک" مورد اندازه گیری قرار گرفت. مقیاس رفتار اجتماعی واینلند نیز برای سنجش رفتار سازشی فرزندان مورد استفاده قرار گرفت. برای بررسی داده ها از روش های آماری ضریب همبستگی، آزمون t مستقل و وابسته استفاده شد.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین مؤلفه ی خود انگیزی پدران و نمره ی کل رفتار سازشی پسران ($r = -0/257$) و خرده مقیاس اشتغال در پسران ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد ($r = -0/272$). همچنین بین مؤلفه ی خود کنترلی مادران و رفتار سازشی فرزندان دختر آنها ($r = 0/256$) و خرده مقیاس ارتباط در دختران ($r = 0/296$) و بین مؤلفه ی خودآگاهی مادران و ارتباط در دختران ($r = 0/237$) رابطه ی معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). در مجموع با توجه به یافته های پژوهش بین مؤلفه ی خودانگیزی پدران و رفتار سازشی پسران رابطه ی معکوس وجود دارد. بین هوش هیجانی پدران و رفتار سازشی فرزندان دختر کم توان ذهنی آموزش پذیر آنها رابطه ای وجود ندارد در مادران نیز مؤلفه ی خودکنترلی با رفتار سازشی دختران کم توان ذهنی آنها رابطه دارد.

کلید واژه ها: هوش هیجانی / والدین / عقب مانده ذهنی آموزش پذیر / رفتار سازشی /

فرزندان

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول - کلیات پژوهش

- ۱-۱: مقدمه ۲
- ۲-۱: بیان مسأله ۶
- ۳-۱: ضرورت پژوهش ۹
- ۴-۱: اهداف پژوهش ۱۰
- ۵-۱: پرسش های پژوهش ۱۱
- ۶-۱: تعریف متغیرها ۱۱

فصل دوم - ادبیات پژوهش

- ۱-۲: عقب ماندگی ذهنی ۱۴
- ۱-۱-۲: طبقه بندی ۱۸
- ۲-۱-۲: سبب شناسی ۲۰
- ۳-۱-۲: ویژگی های افراد عقب مانده ی ذهنی آموزش پذیر ۲۱
- ۲-۲: رفتار سازشی ۲۴
- ۱-۲-۲: ارتباط رفتار سازشی و هوش ۲۷
- ۲-۲-۲: رفتار سازشی: عاملی در تشخیص عقب ماندگی ذهنی ۲۸
- ۳-۲-۲: مشکلات سازشی در افراد عقب مانده ی ذهنی ۳۰
- ۳-۲: هیجان ۳۵
- ۱-۳-۲: جایگاه هیجان ها ۳۷
- ۲-۳-۲: دیدگاه های هیجان ۳۹
- ۴-۲: هوش هیجانی-تاریخچه ۴۱

- ۴۲..... ۱-۴-۲: تعریف ها و رویکردها
- ۴۳..... ۱-۱-۴-۲: رویکرد غیر ترکیبی یا توانایی
- ۴۵..... ۲-۱-۴-۲: رویکرد های ترکیبی
- ۴۷..... ۲-۴-۲: رشد هوش هیجانی
- ۴۹..... ۳-۴-۲: هوش هیجانی و هوش شناختی
- ۵۱..... ۴-۴-۲: هوش هیجانی و شخصیت
- ۵۲..... ۵-۲: انواع رویکرد های نظری در مورد عملکرد خانواده
- ۵۴..... ۶-۲: خانواده و کودک عقب مانده ی ذهنی
- ۵۹..... ۷-۲: نقش هوش هیجانی در زندگی
- ۶۲..... ۸-۲: هوش هیجانی و روابط خانوادگی

فصل سوم - روش شناسی پژوهش

- ۷۲..... ۱-۳: نوع مطالعه
- ۷۲..... ۲-۳: جامعه ی آماری
- ۷۲..... ۳-۳: نمونه ی آماری
- ۷۲..... ۴-۳: روش نمونه گیری
- ۷۳..... ۵-۳: روش جمع آوری داده ها
- ۷۳..... ۱-۵-۳: پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ
- ۷۵..... ۲-۵-۳: مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند
- ۷۷..... ۶-۳: متغیرها
- ۷۷..... ۷-۳: روش اجرا
- ۷۸..... ۸-۳: روش تجزیه و تحلیل داده ها
- ۷۸..... ۹-۳: ملاحظات اخلاقی

فصل چهارم - توصیف و تحلیل داده ها

- ۱-۴: بررسی توصیفی داده ها ۸۰
- ۲-۴: بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها ۸۴
- ۳-۴: بررسی متغیرهای پژوهش و متغیرهای جمعیت شناختی ۸۶
- ۴-۴: بررسی پرسش های پژوهش ۸۷
- ۵-۴: یافته جانبی پژوهش ۹۴

فصل پنجم - بحث و نتیجه گیری

- ۱-۵: بحث و نتیجه گیری ۹۷
- ۲-۵: محدودیت های پژوهش ۱۰۴
- ۳-۵: پیشنهادهای پژوهش ۱۰۴
- منابع ۱۰۵
- پیوست ۱ : پرسشنامه هوش هیجانی ۱۱۳
- پیوست ۲ : مقیاس رفتار اجتماعی واینلند ۱۱۷
- چکیده (انگلیسی) ۱۲۴

فهرست جدول ها

صفحه	جدول ها
۲۳.....	جدول ۱-۲: ویژگی های نمایانگر و مشکلات همراه کم توانی ذهنی
۲۹.....	جدول ۲-۲: ابعاد مهارت سازشی در تشخیص کم توانی ذهنی
۸۰.....	جدول ۱-۴: توزیع دانش آموزان تحت بررسی بر حسب جنسیت
۸۲.....	جدول ۲-۴: توزیع سنی دانش آموزان تحت بررسی به تفکیک جنسیت
۸۳.....	جدول ۳-۴: جدول توزیع سطح تحصیلی پدران و مادران
۸۴.....	جدول ۴-۴: بررسی نرمال بودن نمرات مقیاس رفتار سازشی
۸۵.....	جدول ۵-۴: بررسی نرمال بودن نمرات پرسشنامه هوش هیجانی پدران
۸۵.....	جدول ۶-۴: بررسی نرمال بودن نمرات پرسشنامه هوش هیجانی مادران
۸۶.....	جدول ۷-۴: بررسی رابطه ی رفتار سازشی و متغیر های جمعیت شناختی
۸۸.....	جدول ۸-۴: جدول ضریب همبستگی بین هوش هیجانی پدران و رفتار سازشی دختران
۸۹.....	جدول ۹-۴: جدول ضریب همبستگی بین هوش هیجانی پدران و رفتار سازشی پسران
۹۱.....	جدول ۱۰-۴: جدول ضریب همبستگی بین هوش هیجانی مادران و رفتار سازشی دختران
۹۲.....	جدول ۱۱-۴: جدول ضریب همبستگی بین هوش هیجانی مادران و رفتار سازشی پسران
۹۳.....	جدول ۱۲-۴: مقایسه ی رفتار سازشی دختران و پسران کم توان ذهنی
۹۴.....	جدول ۱۳-۴: مقایسه ی هوش هیجانی مادران و پدران
۹۵.....	جدول ۱۴-۴: جدول مقایسه ی هوش هیجانی در سطوح مختلف تحصیلی

فهرست نمودارها:

نمودارها	صفحه
نمودار ۴-۱ : توزیع دانش آموزان تحت بررسی بر حسب جنسیت	۸۱
نمودار ۴-۲ : توزیع سنی دانش آموزان تحت بررسی	۸۲
نمودار ۴-۳ : توزیع سطح تحصیلی پدران و مادران	۸۳

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱: مقدمه

دیر زمانی است که روان شناسان به کفایت اجتماعی به عنوان یکی از توانایی های اساسی در انسان توجه کرده اند. کفایت اجتماعی شامل رفتار سازشی و مهارت های اجتماعی است. رفتار های سازشی شامل مهارت های عملکرد مستقل، رشد فیزیکی، رشد گفتاری و کفایت عملکرد تحصیلی است و مهارت های اجتماعی نیز همکاری، گفتار مناسب، همدلی، خویشتنداری و مسؤولیت پذیری را شامل می شود (سیف نراقی، ۱۳۸۲).

گروسمن^۱ (۱۹۸۳؛ به نقل از لاکسون^۲، ۱۳۸۰) رفتار سازشی را چنین تعریف کرده است: کیفیت عملکرد روزانه در کنار آمدن با تقاضاهای محیط. بر اساس توصیف ایوانز^۳ (۱۹۹۱) رفتار سازشی امری است که هم نشان دهنده ی انطباق با یک موقعیت معین است و هم نمودی از توانایی تغییر رفتار برای انطباق با تقاضاهای یک موقعیت.

از نیمه ی قرن بیستم، اصطلاح کفایت اجتماعی - شامل مهارت های اجتماعی و رفتار سازشی - به عنوان عاملی در تشخیص عقب ماندگی ذهنی مطرح شده است، چنان که در تعریف انجمن عقب ماندگی ذهنی امریکا از عقب ماندگی ذهنی، علاوه بر عملکرد ناقص ذهنی بر محدودیت در رفتار سازشی نیز تأکید شده است. با افزودن واژه ی سازش پذیری در تعریف این انجمن، عقب ماندگی ذهنی نه تنها شامل عملکرد ذهنی پایین تر از متوسط است، بلکه ناتوانی فرد در پاسخگویی به

^۱ - Grossman, D.

^۲ - Lakason, R.

^۳ - Ivans, A.

خواست های اجتماع را نیز به همراه دارد. با توجه به این تعریف هرگاه یک ساختار اجتماعی خاص پیچیده تر از ساختار اجتماعی دیگر باشد، ممکن است احتمالاً فرد در یک جامعه یا مدرسه یا یک دوره از زندگی عقب مانده ی ذهنی شناخته شود، در حالی که در جامعه یا مدرسه یا دوره ای دیگر از زندگی عقب مانده ی ذهنی محسوب نگردد. بسیاری از کودکان عقب مانده ی ذهنی به کلاس های ویژه ارجاع داده می شوند زیرا سازگاری رفتاری آن ها در کلاس عادی ضعیف است. این سازگاری شامل توانایی فرد در سازش یافتن با موقعیت ها بدون نظارت و رهبری دیگران است، رفتاری که به فرد کمک می کند تا با کمترین مقدار اضطراب با موقعیت ها سازش پیدا کند، رفتاری که تحول فرد را افزایش می دهد و رفتاری که در زندگی دیگران دخالت یا مزاحمت ایجاد نمی کند. ویژگی های رفتاری که این کودکان از خود بروز می دهند، نباید جزئی از نارسایی ذهنی تلقی شود، بلکه این ویژگی ها نتیجه ی موقعیتی است که کودکان در آن قرار داده می شوند (شریفی درآمدی، ۱۳۷۷).

برخی از محققان رفتار سازشی را تا اندازه ای به عوامل بیرونی کودک، از جمله محیطی که در آن زندگی می کند وابسته می دانند (سیف نراقی، ۱۳۸۲). گیتونی^۱ (۱۳۷۵) معتقد است رفتار سازش نایافته ی کودکان در دو بعد قابل طرح است: در سطح رابطه ی عاطفی و در سطح محیط اجتماعی. از نظر عاطفی، کودک در خانواده برای به کار بستن قوانینی که چگونگی و چرایی آن را نمی فهمد، مشکل دارد. گروه دیگری از کودکان ناسازگار، به خصوص در طبقات اجتماعی محروم وجود دارد. این محیط اجتماعی است که در آن ها واکنشی در مقابل این بی عدالتی که احساس می کنند مستحق آن نیستند به وجود می آورد. اگر این کودکان مسایلی نیز در سطح ارتباطات عاطفی داشته باشند، وضعیت وخیم تر می شود.

در میان عوامل متعددی که بر رفتار کودک و نوجوان تأثیر گذار هستند، خانواده به عنوان مهم ترین و با نفوذترین عامل به شمار می آید، چون خانواده اولین و قدیمی ترین محل ارتباط کودک

^۱ - Gitony, N.

است. کنش متقابل و رابطه‌ی عاطفی بین کودک و والدین، به انتظارات و واکنش‌های کودک در آینده شکل می‌دهد (هترینگتون^۱، ۱۳۷۳).

ماهیت جو خانوادگی شامل روابط اعضای خانواده می‌تواند در ایجاد اعتماد و استقلال در کودک و نوجوان تسهیل‌کننده یا بازدارنده باشد. کودک و نوجوان در خانواده‌ای که همخوانی و عدم تعارض در ارزش‌ها، گرمی، ثبات و اعتماد و احترام متقابل بین والدین با یکدیگر و با فرزندان است، به سهولت با زندگی‌سازگاری می‌یابد. مشکلات رفتاری، بزهکاری و ناشادی کودک اساساً مربوط به ناکامی در رفع نیازهای کودک است. شرایط نامساعد خانوادگی در کودکان و نوجوانان، ایجاد ناکامی و ناسازگاری می‌کند (نوبی نژاد، ۱۳۷۲).

روش‌های فرزند پروری والدین تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها است. والدین سالم و بالغ در مقایسه با والدین ناسالم با حساسیت بیشتری به نیازهای کودکان خود توجه می‌کنند و این روش فرزند پروری امنیت عاطفی، استقلال و توانایی‌های اجتماعی کودکان را افزایش می‌دهد. جهت‌گیری والدین و استنباط کلی آن‌ها از دیگران نیز در کنش متقابل آن‌ها با فرزندان تأثیر می‌گذارد. والدینی که بر خصوصیات روانی، انگیزه‌ها و احساسات تأکید می‌کنند برعکس آن‌هایی که فقط به خصوصیات جسمانی، شغل یا موقعیت در جامعه تأکید می‌کنند، در روش‌های انضباطی خود فرد مدارند. آن‌ها توجه کودکان را به احساسات و انگیزه‌های دیگران جلب می‌کنند و آن‌ها را تشویق می‌کنند که در رفتار و احساساتشان تأمل کنند. این روش به رشد درک کودک، حس مسؤولیت شخصی و خودمختاری کمک می‌کند (ماسن^۲ و همکاران، ۱۳۸۴).

تجربه‌ی تعارض بین والدین با رشد اجتماعی و سلوک اجتماعی کلی کودک نسبت عکس دارد. تعارض مداوم بین والدین و نه طلاق، عامل مهمی است که سرانجام تأثیری منفی بر سازگاری کودک به جا می‌گذارد. با افزایش تعارض بین والدین، رفتار کودکان مسأله‌سازتر می‌شود. کامینز^۳ و دیگران

^۱ - Hettrington, D.

^۲ - Massen, H.

^۳ - Comins, A.

(۱۹۸۴؛ به نقل از استفورد^۱، ۱۳۷۷) گزارش دادند کودکانی که تعارض های مداومی را بین والدین

شاهد بوده اند، واکنش های آشفته ی بیشتری را طی سال های اول مدرسه به نمایش گذارده اند.

متخصصان بهداشت روانی معتقدند با افزایش ظرفیت روان شناختی، اشخاص قدرت سازگاری و تحمل بالاتری در مقابل فشارها و مشکلات زندگی کسب خواهند کرد. به همین منظور برنامه های پیشگیری اولیه هم در سطح عام با هدف کاهش و کنترل همه ی آسیب های روانی-اجتماعی، هم در سطح خاص در رابطه با کاهش و کنترل مشکلات خاص در نقاط مختلف جهان طراحی و به مورد اجرا گذاشته شده است. نظریه ی هوش هیجانی، چارچوب جدیدی از مدل پیشگیری اولیه در بهداشت روانی ارائه می کند. توجه به هیجان ها، نقش و کاربرد مناسب آن ها در روابط انسانی، درک احوال خود و دیگران، خویشتن داری و کنترل بر خواست های فوری، همدلی با دیگران و استفاده مثبت از هیجان ها در تفکر، شناخت و رفتار، موضوع هوش هیجانی می باشد (گلمن^۲، ۲۰۰۰).

هوش هیجانی جدید ترین تحول در زمینه ی فهم ارتباط میان تعقل و هیجان است. علی رغم دیدگاه های اولیه، نگاه واقع بینانه به ماهیت انسان نشان می دهد که انسان نه منطبق صرف است و نه احساس (هیجان) صرف؛ بلکه ترکیبی از هر دو می باشد. بنابراین توانایی شخص برای سازگاری و چالش با زندگی به عملکرد منسجم قابلیت های هیجان و منطق بستگی دارد (سالوی و مایر^۳، ۱۹۹۰). هوش هیجانی مجموعه ای از توانایی ها، کفایت ها و مهارت های غیر شناختی است که توانایی فرد را برای کسب موفقیت در مقابله با مقتضیات و فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار می دهد که می توان آن را آموزش داد و فرا گرفت (بار-ان^۴، ۱۹۹۷).

مدیریت هوشمندانه عواطف، یک عامل مهم و تعیین کننده در سلامت زندگی خانوادگی است و باعث ایجاد یک بافت مناسب و مطلوب زندگی خانوادگی می شود (فیتنس^۵، ۲۰۰۰). برخوردار بودن

¹ - Stafford, L.

² - Golman, D.

³ - Salovey, P & Mayer, J.D.

⁴ - Bar – on, R.

⁵ - Fitness, J.

والدین از هوش هیجانی بالا به خودی خود برای فرزندان آن‌ها بی‌نهایت سودمند است. این کودکان دارای مهارت اجتماعی بالایی هستند و مشکلات رفتاری کمتری دارند (گلمن، ۱۳۸۳).

با توجه به مباحث یاد شده، به نظر می‌رسد که هوش هیجانی والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهای کودکان باشد. این پژوهش به بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی والدین و رفتار سازشی فرزندان کم‌توان ذهنی آن‌ها می‌پردازد. امید است نتایج حاصل به کشف عوامل مرتبط با رفتار سازشی این گروه کمک نماید.

۲-۱: بیان مسأله

رفتار و مهارت‌های سازشی از مؤلفه‌های مهم در تشخیص عقب‌ماندگی ذهنی به شمار می‌آید و عدم تسلط کافی افراد کم‌توان ذهنی بر رفتارهای سازشی، مشکلات فراوانی را برای آن‌ها و جامعه فراهم می‌آورد. بنابراین برنامه‌های تربیتی باید به نحوی باشد که این افراد بتوانند خود را با محیط سازگار نموده و از روابط مفید و مؤثر انسانی و اجتماعی برخوردار شوند. در متون پژوهشی به عوامل متعددی در این زمینه اشاره شده است. دال^۱ (۱۹۴۱) اختلال ذهنی را ناسازگاری‌های اجتماعی و شغلی همراه با ناتوانی در اداره امور زندگی در حد یک بزرگسال عادی می‌داند که این ناسازگاری‌ها ناشی از عقب‌ماندگی ذهنی حاصل از وراثت یا بیماری است که از زمان تولد یا اوایل کودکی شروع شده و علاج‌ناپذیر است (به نقل از سیف نراقی، ۱۳۸۲).

برخی مشکلات رفتاری و ناسازگاری کودک کم‌توان ذهنی را ناشی از اختلاف بین سطح توانایی او در عملکردش و انتظارات محیطش می‌دانند (شریفی در آمدی، ۱۳۷۶). در بین عوامل گوناگون مؤثر بر رفتار سازشی کودکان می‌توان به عامل خانواده و رفتارهای والدین اشاره نمود. محیط خانواده در تشکیل شخصیت انسان بسیار مؤثر است. سنت‌ها، الگوها، ضوابط و قوانین آن در کودک اثر دارد.

^۱ - Doll, E.

علاوه بر آموزش های والدین، جریان های عاطفی، اخلاقی، انضباطی خانواده نیز در کودکان تأثیر می گذارد (قائمی، ۱۳۷۸).

روابط بین کودک و والدین را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای از عوامل و بخش هایی دانست که در کنش های متقابل با یکدیگرند. کنش متقابل و رابطه ی عاطفی بین کودک و والدین به انتظارها و واکنش های آینده ی کودک به روابط اجتماعی شکل می دهد. خانواده کودک را برای قبول مسئولیت آماده می کند، به افکار، عواطف، اراده و فعالیت وی شکل خاص می بخشد و او را اجتماعی می سازد، به این معنی که از طریق الگوگیری و تمرین به او می آموزد که چگونه خود را با هنجار های اجتماعی منطبق سازد. در تعیین رفتار بارز کودک و نوجوان، واکنش های عاطفی، ادراک، نگرش ها و ارزش های او، خانواده از اهمیت خاص برخوردار است. نگرش های والدین می تواند تسهیل کننده یا مانع در جریان رشد و تکامل کودک باشد. شرایط نامساعد خانوادگی در کودکان و نوجوانان ایجاد ناکامی و سرانجام ناسازگاری می کند (نوابی نژاد، ۱۳۷۲).

یکی از عواملی که می تواند به والدین در ایفای نقش خود کمک نماید، آگاهی از عواطف و احساسات خود و دیگران و مدیریت صحیح آن ها است. اساسا پدیده های عاطفی منبع منحصر به فردی از اطلاعات را برای افراد در مورد محیط اطراف و جستجوی آن مهیا می کنند و این اطلاعات، افکار، اعمال و احساس های متعاقب آن ها را شکل می دهند. این فرض وجود دارد که افراد در میزان درک و فهم و به کار گیری این اطلاعات هیجانی از مهارت های متفاوتی برخوردارند و سطح هوش هیجانی شخص در سلامت و رشد عقلانی و عاطفی او سهم بسزایی دارد و موفقیت در زندگی را هوش هیجانی تعیین می کند (سالووی و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین هوش هیجانی موفقیت را ممکن می سازد، زیرا نشان می دهد که شخص چگونه واکنش خود را در موقعیتی بلا درنگ به کار می گیرد (بار-ان، ۱۹۹۷).

در واقع توانایی فرد برای سازگاری و انطباق با زندگی به کنش های یکپارچه ی ظرفیت های هیجانی و عقلانی او بستگی دارد. موفقیت در زندگی به توانایی شخص برای استدلال در مورد

تجربه های هیجانی اش و سایر اطلاعات دارای بار عاطفی و ارائه ی پاسخ به شیوه های سازگارانانه از لحاظ هیجانی وابسته است (سالووی و مایر، ۲۰۰۰). همچنین افراد بایستی از توانایی ارزیابی هیجان های دیگران نیز برخوردار باشند. مردم در توانایی ادراک واقعی، فهم و هم حسی با هیجان های دیگران دارای تفاوت های فردی هستند و اشخاصی که بتوانند به خوبی از عهده ی این کار برآیند، احتمال دارد بهتر بتوانند نسبت به محیط اجتماعی خود پاسخ داده و یک شبکه حمایت اجتماعی ایجاد نمایند (بوک^۱، ۱۹۸۴؛ به نقل از بنکداری، ۱۳۸۴).

هوش هیجانی با توانایی درک خود و دیگران، ارتباط با مردم و سازگاری فرد با پیرامون خویش پیوند دارد. به عبارت دیگر هوش غیر شناختی، پیش بینی موفقیت های فرد را میسر می کند و سنجش و اندازه گیری آن به منزله ی اندازه گیری و سنجش توانایی های شخص برای سازگاری با شرایط زندگی و ادامه ی حیات در جهان است. هوش غیر شناختی عامل مهمی در تعیین توانمندی های افراد برای کسب موفقیت در زندگی است و با سلامت عاطفی در ارتباط مستقیم است (بار-ان، ۱۹۹۷).

اعتقاد بر این است که افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشند، می توانند با مشکلات و چالش های زندگی بهتر سازگار شوند و به گونه ای مؤثر به کنترل عواطف شان بپردازند و بدین ترتیب موجبات بهبود و افزایش سلامت روانی خود را فراهم آورند. هوش هیجانی نقش اساسی در تعامل انسان ها با هم دارد و در فعالیت های مرتبط با خانه، مدرسه، شغل و غیره تأثیر گذار است. ادبیات پژوهشی موجود در این زمینه نشان می دهند که مدیریت و تنظیم هوشمندانه ی عواطف، یک عامل مهم و تعیین کننده در سلامت زندگی خانوادگی است (سیاروچی^۲ و همکاران، ۱۳۸۳).

مباحث یاد شده، هوش هیجانی را عامل مؤثری قلمداد می کند که به والدین در ایفای مسؤولیت خود کمک می نماید. این پژوهش به این موضوع خواهد پرداخت که آیا بین ویژگی های عاطفی و هیجانی والدین و رفتار سازشی فرزندان آن ها رابطه وجود دارد. با توجه به اهمیت رفتار سازشی در

^۱ - Buck, D.

^۲ - Ciarochi, J.

تشخیص عقب ماندگی ذهنی و برنامه ریزی های آموزشی و تربیتی این گروه، این پژوهش در صدد بررسی این موضوع است که آیا می توان بین هوش هیجانی والدین و رفتار سازشی فرزندان کم توان ذهنی آن ها رابطه ای یافت؟

۱-۳: ضرورت پژوهش

هوش هیجانی عبارت است از توانایی ادراک عواطف جهت دستیابی به عواطفی سازنده که به کمک آن ها بتوان به ارزیابی افکار، فهم عواطف و دانش عاطفی خود پرداخت و با استفاده از آن بتوان موجبات پرورش احساسات و رشد هوشی خود را فراهم ساخت (سیاروچی و همکاران، ۱۳۸۳).

پژوهشگرانی که به بررسی علمی هوش هیجانی می پردازند معتقدند که هوش هیجانی می تواند کاربرد ها و تأثیرات مهمی بر فعالیت های گوناگون آدمی چون رهبری و هدایت دیگران، توسعه ی حرفه ای، زندگی شغلی، زندگی خانوادگی و زناشویی، تعلیم و تربیت، سلامت و بهزیستی روانی و داشته باشد.

یکی از اصلی ترین کارکرد های خانواده، پرورش سازگاری کودکان با جامعه است. خانواده با به وجود آوردن محیطی غنی، نظارت و کمک، موجب رشد و شکوفایی توانایی های کودک می شود. رشد عاطفی و سلامت روانی کودک به خانه و محیط خانواده بستگی دارد. نتایج پژوهش های متعدد نشان می دهند که نحوه ی ابراز هیجانی والدین به کودک به عنوان یکی از متغیر های مهم با کیفیت روابط والد- کودک و مشکلات رفتاری کودکان ارتباط دارد (ایزنبرگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۱؛ لینداهل^۲، ۱۹۹۸).

یافته های پژوهشی داون و براون^۳ (۱۹۹۹) حاکی از آن است که در صورتی که والدین در تعامل با فرزندان خود، هیجان های مثبت بسیار و هیجان های منفی اندک نشان دهند، میزان صلاحیت اجتماعی در این کودکان افزایش و مشکلات درونی و بیرونی در آن ها کاهش می یابد. به عبارت دیگر

^۱ - Esenberg, N.

^۲ - Lindahl, K.

^۳ - Dun, J & Brown, J.

ابراز هیجان های مثبت والدین در خانه با عزت نفس، دلبستگی ایمن و رفتار های جامعه طلبی در کودکان همبستگی دارد.

ایجاد سازگاری کودکان با جامعه یکی از هدف های عمده ی تعلیم و تربیت ویژه است. این پژوهش در نظر دارد رابطه ی بین هوش هیجانی والدین و رفتار سازشی فرزندان کم توان ذهنی آن ها را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اینکه در رابطه با رفتار سازشی دانش آموزان کم توان ذهنی و عوامل مرتبط با آن پژوهش های اندکی صورت گرفته است و در بین آن ها تأثیر خانواده به عنوان نهادی که فرد کم توان ذهنی بیش ترین ارتباط را با آن دارد و بیش ترین تأثیر را از آن می پذیرد تقریباً نادیده گرفته شده است. این مسأله بیانگر خلأ پژوهشی در این زمینه است. همچنین این موضوع هم برای والدین و هم برای متولیان تعلیم و تربیت ویژه کاربرد خواهد داشت. امید است نتایج این پژوهش بتواند خلاء های پژوهشی در این زمینه را پر کند و به رفع ابهام های موجود کمک نماید و به تحقیقات کاربردی تری پیرامون این موضوع بیانجامد و برای متخصصان تعلیم و تربیت ویژه راهگشا باشد.

۴-۱: اهداف پژوهش

۴-۱-۱: هدف کلی

بررسی رابطه ی هوش هیجانی والدین و رفتار سازشی فرزندان کم توان ذهنی آموزش پذیر

۴-۱-۲: اهداف اختصاصی

بررسی رابطه ی هوش هیجانی پدران و رفتار سازشی فرزندان کم توان ذهنی آموزش پذیر

بررسی رابطه ی هوش هیجانی مادران و رفتار سازشی فرزندان کم توان ذهنی آموزش پذیر

مقایسه ی هوش هیجانی پدران و مادران دارای فرزند کم توان ذهنی آموزش پذیر

مقایسه ی رفتار سازشی دختران و پسران کم توان ذهنی آموزش پذیر

۱-۴-۳: هدف کاربردی

هدف از این پژوهش یافتن عوامل مرتبط با رفتار سازشی دانش آموزان کم توان ذهنی است. شناسایی عوامل مرتبط با رفتار سازشی می تواند اطلاعات مفیدی را برای والدین و مسؤولان تعلیم و تربیت دانش آموزان کم توان ذهنی فراهم آورد و گامی در جهت بهبود مشکلات سازشی این افراد باشد.

۱-۵: پرسش های پژوهش

- ۱- آیا بین هوش هیجانی پدران و رفتار سازشی فرزندان کم توان ذهنی آن ها رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین هوش هیجانی مادران و رفتار سازشی فرزندان کم توان ذهنی آن ها رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا بین رفتار سازشی دختران و پسران کم توان ذهنی تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا بین هوش هیجانی پدران و مادران تفاوت وجود دارد؟

۱-۶: تعریف متغیرها

۱-۶-۱: تعریف مفهومی

هوش هیجانی: هوش هیجانی مجموعه ای از توانایی ها و مهارت هایی است که فرد برای سازگاری مؤثر با محیط و به دست آوردن موفقیت در زندگی کسب می کند (بار-ان و پارکر^۱، ۲۰۰۰).
رفتار سازشی: به کارآمدی فرد در کنار آمدن با مقتضیات طبیعی و اجتماعی رفتار سازشی گفته می شود (لاکسون، ۱۳۸۰).

عقب مانده ذهنی آموزش پذیر: افراد دارای این سطح از عقب ماندگی ذهنی طی سال های پیش دبستانی مهارت های اجتماعی و ارتباطی را کسب می کنند، در زمینه های حسی-حرکتی کمترین میزان اختلال را دارند و اغلب تا زمانی که به سطح سنی بالاتر نرسند از کودکان معمولی یا فاقد عقب

¹¹ - Parker, J.D.